

زنان و مشارکت روستایی

مریم فلاح رضوی^۱

ماندانا اسکندری

چکیده

از آنجایی که زنان تقریباً نیمی از جمعیت روستا را تشکیل می‌دهند، شرکت همگانی مردم اعم از زن و مرد برای توسعه پایدار روستایی لازم و اجتناب ناپذیر است. لذا این پژوهش به دنبال بررسی نقش زن و مشارکت روستایی آن بوده تا بتوان راهبردها و برنامه‌های توسعه را به گونه ای طراحی کرد که علاوه بر هموار شدن راه مشارکت و افزایش نقش اساسی زنان، منافع حقوق و پاداشهای مناسب با سهم آنان، در نظر گرفته شود. این پژوهش به روش اسنادی کتابخانه ایی و با استفاده از کتب، مقالات، آیات، روایات و سایت‌های مختلف انجام پذیرفته است. بر اساس یافته های پژوهش می توان نتیجه گرفت که، مداخله هایی که بعضاً در امر توسعه روستایی صورت می‌گیرد و نقش مشارکت زنان روستایی در آنها نادیده گرفته می‌شود، باعث کاهش موفقیت زنان شده است. همچنین جهت مشارکت زنان در اکثر فعالیت های فرهنگی و اجتماعی مانعی وجود نداشته و شاید تنها مانع اصلی، مانع عرفی و سنتی باشد.

کلید واژه‌ها: زن، مشارکت، فرهنگ، توسعه پایدار

۱- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد - Ma_fa_44@yahoo.com

مدرس دانشگاه پیام نور مشهد و علمی- کاربردی

۱- مقدمه

زنان روستایی نقش مهم و تعیین کننده‌ای در رونق مشارکت ایفا می‌کنند. آنان در واقع مدیران اقتصاد خانوار بوده و بسیاری از فعالیت‌های مرتبط با آماده سازی امور مربوط به نگهداری از دام‌ها، تهیه مواد غذایی، جمع آوری سوخت و مدیریت اقتصاد خانوار را بر عهده دارند. به طوری که در چند سال اخیر، این نکته به خوبی روشن شده است که سهم عمده‌ای از درآمد خانوارهای روستایی از طریق مشارکت زنان به دست می‌آید (عمادی، ۱۳۷۷: ۲۷). آنچه که موجب بالا رفتن میزان مشارکت زنان روستایی در جامعه می‌شود احترام به حقوق و شئون ایشان است. بدون شناخت ویژگی‌های روانی، اخلاقی و ظرافت‌های دنیای شگفت انگیز آنان استفاده از توانایی‌های جسمی و روحی زنان مقدور نیست. زن به مقتضای خلقت خویش از جایگاه ممتازی برخوردار است که مرد قابلیت جانشینی آن را ندارد این چنین جایگاهی، در برگزیده پرورش و آماده سازی انسان است.

۲- اهمیت تحقیق:

زن کشتزار نسل بشری است اما در دهه‌ی اخیر و با بالا رفتن بحث و مشارکت زنان در عرصه مختلف بحث تعدد نقش زنان در خانه و در اجتماع صورتی دیگر به خود گرفته است و به شکل جدی‌تری مطرح شده است میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی تأییدی بر عدم توجه کافی به امور زنان و ارزش افزوده آنان است، زیرا زنان روستایی در تمام مراحل تولید محصولات کشاورزی و تولیدات دامی و به طور کلی تمامی امور دوشادوش مردان به فعالیت می‌پردازند و حتی اوقات اندک فراقشان را نیز صرف تولید صنایع دستی مانند گلیم و قالی و .. می‌کنند. در مناطق روستایی زنان نقشی به مراتب بیشتر از مردان در اقتصاد خانوار و فعالیت‌های درون منزل به عهده دارند و موجب رونق اقتصادی جامعه هستند. لذا با مطالعه این تحقیق امید است که کمک شایانی در جهت توجه به مشارکت زنان روستایی در امر فرآیند توسعه روستایی و پرداختن به نقش و پایگاه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی آنان گردد.

۳- بیان مسأله

کنفرانس جهانی «اصلاحات کشاورزی و توسعه روستایی» (WCARRD) در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹م) اعلام داشت که زنان روستایی باید به صورت برابر در روند توسعه روستایی مشارکت داشته باشند. هدف اصلی این کنفرانس عبارت بود از پشتیبانی از زنان روستایی به عنوان «تولیدکنندگان» و اولویت خاص آنها در

دسترسی به منابع تولید بخصوص تکنولوژی هایی که بتوانند از مشقت، حجم و میزان کار آنان بکاهد و بر بهره وری آنها بیفزاید. لذا نیاز به توجه به نقش زنان روستایی در توسعه روستایی، این مساله را مطرح می سازد که تا چه میزان توجه به تأثیر و چگونگی نقش مشارکت زنان روستایی می تواند عاملی موثر در مسیر توسعه روستایی باشد؟

۴- روش تحقیق:

این پژوهش به روش اسنادی کتابخانه ای و با استفاده از کتب، مقالات، آیات، روایات و سایت های مختلف انجام پذیرفته است.

۵- فرضیه های تحقیق:

- مشارکت زنان روستایی در توسعه پایدار روستایی تأثیر بسزایی دارد.
- آموزش و توانمندسازی زنان روستایی در نقش آنان، جهت توسعه پایدار روستایی موثر است.
- اصلاح نگرش ها در جهت ارتقای جایگاه و نقش زنان روستایی تأثیر گذار است.

۶- مفهوم مشارکت:

مؤسسه تحقیقات توسعه اجتماعی سازمان ملل متحد مشارکت مردمی را چنین تعریف می کند: کوشش های سازمان یافته برای افزایش کنترل بر منابع و جنبش های کسانی که تا کنون از چنین کنترلی محروم بوده اند، همچنین آن را می توان دخالت مردم در توسعه و تکامل خود، زندگیشان و حتی محیط زیست دانست (فمی و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۴).

۶-۱- فرهنگ مشارکت در اسلام:

این فرهنگ یکی از عناصر فرهنگی توسعه در اسلام است. در اسلام مسلمانان به کار و مشارکت برای بدست آوردن معاش خود دعوت و موظف شده اند. بنا به فرموده امام علی علیه السلام: "مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهِدِهِمْ وَالتَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ" "از حقوق واجب خدا بر بند گان، خیرخواهی به اندازه توان و یاری کردن یکدیگر برای برپایی حق در میان خود است (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) امام صادق (ع) می فرماید: پرخواهی و بیکاری، دشمن خداوند است (حرعاملی، ۱۴۰۱: ۷۶). همچنین درجایی دیگر ایشان فرمودند: اگر انسان از پرداختن به کاری آسوده باشد و بدون کار زندگیش تأمین گردد از ناسپاسی و سرمستی به جایی می رسد که زیان آن برای او و نزدیکان، بس بزرگ خواهد بود (علامه مجلسی، ۱۴۲۵: ۸۶).

همچنین اسلام برای پیشرفت علمی زن و مرد ارزش یکسانی قائل است هرچند توجه به تأثیر عناوین ثانوی در تغییر احکام برخی تمایزات جنسی را دارد. *قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ* آیا آنان که می دانند با آنان که نمی دانند یکسانند (زمر ۹). *إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ* از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می هراسند (فاطر ۲۸). *اطلبوا العلم ولو بالعين* علم را بجوید اگر چه در چین باشد (حرعاملی، ۱۴۰۱: ۱۴). بدین ترتیب چنین دریافت می شود که مانعی برای مشارکت زنان در اکثر فعالیت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وجود ندارد و شاید مانع اصلی به جای مانع مذهبی مانع عرفی و سنتی است (جزنی، ۱۳۸۳: ۶۱).

۲-۶- مشارکت روستایی:

مشارکت روستایی در مفهوم گسترده اش به معنی برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان روستاییان جهت پاسخگویی به طرح های توسعه می باشد که این خود به مفهوم تشویق ابتکارات محلی و همچنین وسیله افزایش و توزیع مجدد فرصتها و شرکت جستن در تصمیم گیری های اجتماعی و همیاری در توسعه و بهره مند شدن از ثمرات آن تلقی می شود (اوکلی و مارسدن، ۱۹۸۹: ۳۲).

۳-۶- جنسیت و نقش آن در مشارکت:

« *لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ* » مردان نصیبی از آنچه به دست می آورند دارند و زنان نیز نصیبی (نساء: ۳۲). با نگاهی به قرآن کریم و منابع روایی و تاریخی در می یابیم که مشارکت زنان به معنای کار در آمدزا به خودی خود هیچ ممنوعیتی در اسلام ندارد. قرآن کریم از دختران پیامبر بزرگ حضرت شعیب (ع) یاد کرده که به کار چوپانی می پرداختند. برحسب روایات نیز زنان مسلمان در زمان پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام در مشاغل گوناگونی همچون تجارت، صنایع دستی، ریسندگی و بافندگی و یا آرایشگری به عنوان کار درآمدزا به فعالیت می پرداختند.

امام خمینی (ره) همچنین با بیانی قاطع و روشن و اعلام می دارد: زن باید همان حقوق مردان را داشته باشد (تیلا، ۱۳۷۱: ۱۰۲).

جنسیت یک مقوله‌ی کاملاً فرهنگی است جنسیت به الگوهای اکتسابی از رفتار و کنش افراد برمی گردد. در واقع آنچه که فردی را مرد یا زن می سازد بر پایه‌ی قوانین طبیعی قرار دارد (قندهاری، ۱۳۸۲: ۵۶). امام خمینی قدس سره می فرماید: زن یکتا موجودی است که می تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتش به استقامت و ارزشهای والای انسانی کشیده شده و یا

عکس آن نیز باشد (فصلنامه پیام زن، ۱۳۷۲: ۱۲). نقش جنسیت به فعالیتها و مشارکت‌هایی که عموماً جامعه و فرهنگ به زنان و مردان محول می‌کند اطلاق می‌شود (اماری، ۱۳۷۵: ۶۷) در صورتی که اعضای خانواده یک زن را به عنوان سرپرست معرفی کنند به آن خانوار سرپرست زن اطلاق می‌شود که علاوه بر نقش زنانگی خود اعم از همسری، مادری و خانه داری، مشارکت‌های دیگری را نیز بر عهده می‌گیرند (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۳).

۴-۶- فرصت‌های مشارکت برای بانوان روستایی:

این ادعا در بسیاری از موارد اثبات شده است که زنان روستایی تقریباً در بسیاری از کارهای مردانه می‌توانند فعال و حتی موفق باشند، اما شغل‌های زنانه مانند خیاطی، گلدوزی، آرایشگری که با طبع زنان روستایی سازگاری بیشتری دارد قابل توصیه است اما این توصیه به آن معنا نیست که زنان در دیگر شغلها حق حضور ندارند بلکه مراد آن است که چنانچه استعدادها و قابلیت‌های لازم را داشته باشند انجام این فعالیتها اولویت بیشتری دارد (صفری، ۱۳۷۴: ۱۲۶) که این بیان خود می‌تواند شامل زنان روستایی نیز گردد چرا که کارکردن زن روستایی در بیرون از خانه بی‌گمان تأثیرات مثبتی بر شخصیت او دارد و می‌تواند او را به خودکفایی برساند تا در برابر شرایط سخت، از او حمایت گردد (جعفری بوکانی، ۱۳۸۹: ۸). بنا به فرموده مقام معظم رهبری: از نظر اسلام میدان فعالیت و تلاش علمی، فرهنگی و سیاسی برای زنان کاملاً باز است اگر کسی دیگری را از کار علمی و تلاش محروم کند برخلاف حکم خدا حرفی زده است. فعالیتها به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت‌هایشان اجازه می‌دهد مانعی ندارد هرچه می‌توانند تلاش اجتماعی و سیاسی کنند شرع مقدس مانع نیست (نشریه جهاد، ۱۳۷۵ ش، ۹۱-۹۰).

۵-۶- وضعیت فعلی مشارکت زنان روستایی:

زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی، منابع روستایی و خدمات در مناطق روستایی به عنوان تولیدکننده نقش بسیار کلیدی دارند. زنان روستایی بهره‌ورترین زنان جامعه هستند و از جمله افرادی هستند که در مشاغل تولیدی اشتغال دارند. دسترسی زنان به اعتبارات کشاورزی نیز موجب افزایش و بهبود بهره‌وری آنها در کشاورزی می‌گردد، ۳/۷۳٪ زنان کشاورز دانش بالایی از نحوه قطعه‌بندی اراضی و نقشه‌کشی، ۵۸٪ دانش نحوه کشت مخلوط و جنبی و حاشیه‌ای، ۴۵٪ تناوب زراعی، ۸۴٪ نیز از مفهوم آیش اطلاع کافی ۷۰/۵٪ دارند. آنان نیز آگاهی بالایی از نحوه بذرگیری محلی دارند و در کشت‌های معیشتی از آن استفاده می‌کنند، ۷۸٪ زنان نشاکاری و کشت خزانه را بهتر از مردان (۶۰٪) می‌دانستند.

دانش زنان در زمینه وجین و تنک کردن گیاه ان هم از وظایف خاص تقسیم کار جنسیتی زنان در روستاها ارزیابی شده و ۹۴٪ آنان دانش مناسبی در این باره دارند (ویکی روستا، نقش زنان در فرآیند توسعه روستایی : ۸). فعالیتهای مربوط به کاشت، داشت و برداشت محصول، نگهداری و مراقبت از دام و طیور و برخی فعالیتهای مربوط به بازاریابی و فروش محصولات از جمله زمینه های مشارکت زنان در کار کشاورزی به شمار می روند . در کنار کار کشاورزی، تقریباً تمامی فعالیتهای مربوط به خانه، اعم از پخت و پز، نگهداری بچه ها و نظافت منزل نیز به عهده زنان روستایی می باشد (رفیع افتخار، ۱۳۷۷: ۱۶).

۶-۶- توانمند سازی زنان روستایی:

از عوامل موثر بر زندگی اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی، توانمندسازی آنان است. دسترسی این قشر از جامعه روستایی به آموزش اطلاعات موجب مهیا شدن زمینه برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه و نیز بهبود و رونق کسب و کار در روستاها می شود و به همین جهت دادن فرصت آموزش و اطلاعات یکسان به زنان از دیگر موارد مهم اثرگذار بروضعیت مشارکت آنان است (جزنی، ۱۳۸۳: ۶۰). لحاظ کردن توانمندی ها و حتی نقاط ضعف زنان، زمانی در تمام سطوح تأثیر خواهد کرد که در سرچشمه و مباحث کلان و مجاری تصمیم گیری خود، زنان حضور داشته و به عنوان نمونه های عینی ویژگی ها را معیار و محک برنامه ریزی و طراحی قرار دهند (علاسوند، ۱۳۸۲: ۱۴۵). بدین ترتیب زنان روستایی باید فعالانه در فراهم نمودن امر توسعه و به عنوان عاملی برای ایجاد تغییرات به صورت برنامه ریزان، اجرا کنندگان و ارزیابان، جهت آگاه سازی و به دست آوردن کنترل بیشتر بر روی زندگی خویش شرکت نمایند (بالان، ۱۳۸۲: ۱۸).

۶-۷- زنان روستایی و موانع مشارکت آنان:

برخی از مهمترین محدودیت هایی که بر توانایی زنان روستایی در ارتقای سطح عملکرد، بازدهی و کارایی بخش کشاورزی تأثیر میگذارند عبارتند از: وضعیت فرهنگی و حقوقی زنان؛ رابطه بین عوامل اقلیمی، اقتصادی و وظایف آنان، نحوه مدیریت، طراحی، آموزش و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خدمات کشاورزی (موحد و همکاران، ۱۳۸۵: ۸۷) و یا به عبارتی شامل موارد زیر می گردد:

۱- بی توجهی به فعالیتهای اقتصادی زنان بویژه در جامعه روستایی و

برجای ماندن نگرش سنتی به کار آنها.

۲- تسلط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرد در جامعه و بخصوص در بخش

روستایی.

۳- تبعیض در شرایط اشتغال و کار زن در جامعه که عمدتاً محصول تسلط مردان است.

۴- فرصتهای اندک زنان برای تحصیل و کسب مهارتهای جدید به علت اشتغال در خانه و عدم دسترسی کافی و لازم به نهادها (رفیع افتخار، ۱۳۷۷: ۱۶) البته علیرغم آنکه محرومیت زنان روستایی در امر آموزش پیشینه‌ای دیرینه دارد ولی می‌توان ادعان کرد که در زمینه آموزش، وضعیت زنان ایرانی بهبود قابل ملاحظه‌ای یافته است و امکانات لازم برای تسهیل سوادآموزی زنان و دختران روستایی فراهم آمده است (کدیور، ۱۳۷۵: ۱۵۷).

۷- توسعه روستایی و شاخص‌های آن :

توسعه روستایی مفهومی جامع و چند بعدی بوده که در برگیرنده رشد کشاورزی و فعالیتهای وابسته به آن (صنایع دستی و صنایع روستایی)، زیربنایهای اقتصادی - اجتماعی، خدمات اجتماعی و تسهیلات مربوطه و مهمتر از همه توسعه منابع انسانی در مناطق روستایی است. استراتژی‌های توسعه روستایی بر هفت هدف مشخص بنا نهاده شده اند که عبارتند از: رشد تولیدات کشاورزی، استفاده بهتر از منابع کمیاب، کاربرد بهینه سرمایه، ایجاد فرصتهای شغلی، توزیع مجدد درآمد، ارتقاء سطح زندگی و مشارکت جمعیت روستایی در امور جامعه (رفیع افتخار، ۱۳۷۷: ۱۶) به عبارتی دیگر، شاخص‌های توسعه روستایی که عمدتاً مورد توافق صاحب نظران توسعه است عبارتند از:

شاخص‌های جمعیت‌شناختی، مانند کاهش مرگ و میر، به ویژه مرگ و میر کودکان و نیز کاهش میزان باروری، افزایش باسوادی، بهبود سطح بهداشت، افزایش اشتغال، رشد سرمایه‌گذاری، افزایش تولید کشاورزی در واحد سطح، تنوع کشت، افزایش آینده‌نگری، گسترش نوآوری، فزونی انگیزه‌ها و ده‌ها شاخص دیگر که در منابع مربوط به توسعه و توسعه روستایی به آنها پرداخته شده است. آنچه در اغلب این شاخص‌ها مشترک است، عامل فرهنگی است که می‌توان آن را کلید اصلی تغییرات و زمینه ساز توسعه روستایی دانست (سام آرا، ۱۳۷۸: ۸۵).

۷-۱- توسعه پایدار و شاخص‌های پایداری در توسعه روستایی:

توسعه پایدار نیز توسعه‌ای است که نیازهای نسل کنونی را برآورده می‌کند بدون آنکه توان نسلهای آینده را در تأمین نیازهایشان به مخاطره بیفکند. (گلدین و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۷۴) بررسی نقش زنان روستایی در توسعه پایدار نشان می‌دهد که زنان ایران در گذشته و حال با انجام فعالیتهای مختلفی چون اداری، صنعتی، کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و صنایع روستایی و انجام وظایف

خانه داری و بچه داری نقش عمده ای به عهده داشته‌اند (عزیزی، ۱۳۷۸: ۱۱). شاخص‌های پایداری در توسعه روستایی در سه بخش عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و عوامل سیاسی گنجانده شده‌اند که در زیر بدان اشاره شده است:

عوامل اجتماعی: تغذیه، مسکن، بهداشت، آموزش، فقرزدایی فرهنگ و دانش بومی (بارنا، ۲۰۰۲: ۱۴۶) عوامل اقتصادی: اشتغال، درآمد، انباشت سرمایه، ایجاد صنایع فراوری و تبدیلی. عوامل سیاسی: مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی، ارزیابی پروژه‌های در حال اجرا و اجرا شده، غیرقطبی کردن کانون‌های شهری، ارزیابی عملکرد مسئولین، ایجاد مدیریت و نظام اقتصادی مناسب، متنوع ساختن ساختار اشتغال (رسول زاده، ۱۳۸۷: ۵۳) البته این توسعه زمانی پایدار است که بین آنها یک حالت تقویت دو جانبه و متقابل، حکم فرما باشد تا یک تعامل صرف و مصنوعی (صابری فر، ۱۳۸۵: ۱۳۲).

۲-۷- مشارکت زنان و توسعه پایدار روستایی:

پس از انقلاب افزایش حضور زنان روستایی در جامعه و تعمیق جایگاه زنان در عرصه‌های گوناگون از اهداف اصلی دولت‌ها شمرده شد که انعکاس این تفکر را می‌توان در برنامه‌های توسعه جستجو کرد (امور مشارکت زنان، ۱۳۸۴: ۱۱) مشارکت زنان روستائیان در توسعه روستایی، به عنوان تبلور عینی رفتارهای مطلوب انسانی مطرح است. نگرش سیستمی به توسعه روستایی، پدیده مشارکت را امری طبیعی و کاملاً بنیادی جلوه می‌دهد و مشارکت تمام اقشار روستایی، اعم از زن و مرد و جوان و بزرگسال را پیش‌نیاز دستیابی به اهداف توسعه می‌داند (علی بیگی و بنی عامریان، ۱۳۸۷: ۴۲). یکی از مهمترین فعالیتهای زنان روستایی اشتغال در زمینه صنایع دستی می‌باشد و این صنایع اهمیت بالایی در خوداشتغالی زنان روستایی دارند. از نظر اقتصادی، کار در زمینه صنایع دستی نیاز به سرمایه گذاری چندانی نداشته و هر خانواده روستایی با هر میزان سرمایه ای می‌تواند در این زمینه مشغول باشد. خوداشتغالی زنان روستایی از طریق گسترش و توسعه صنایع دستی در روستاها می‌تواند تا حد زیادی نقش زنان را ارتقا داده و شرایط مناسبتری را از لحاظ اجتماعی برای آنان فراهم نماید (رفیع افتخار، ۱۳۷۷: ۱۶). در حال حاضر نقش حیاتی زنان روستایی در بسیاری از امور مربوط به توسعه مانند تأمین امنیت غذایی، پایداری محیط زیست، ریشه کنی فقر، کنترل جمعیت و توسعه اجتماعی برای جامعه بین‌المللی روشن گردیده است، در حالی که نه خود زنان آن را باور داشته و نه دیگران آن را به حساب آورده‌اند. ولی با توجه به سهم عمده زنان روستایی در کشاورزی، متأسفانه در طرح‌های توسعه پایدار، این قشر

کمتر مورد توجه قرار گرفته و همچنان به عنوان شرکای نامرئی قلمداد می‌شوند (آپلتن و هایل، ۱۹۹۵: ۲۷).

۳-۷- تقویت مشارکت زنان روستایی در توسعه:

آیت...خامنه ای می‌فرمایند: فعالیت زنان در عرصه اجتماعی فعالیتی کاملاً مباح و مجاز است که با حفظ حدود اسلامی می‌توانند آن را انجام بدهند. همچنین در فعالیتهای سازندگی، اقتصادی، طراحی و فکر کردن در امور کشور و یک شهر و یک روستا و یک مجموعه و امور شخصی خانواده میان زن و مرد تفاوتی نیست همه مسئولند و همه باید انجام دهند (مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری درباره‌ی زن، ۱۳۸۱). بهبود تولیدگری زنان روستایی می‌تواند به رشد کارایی و کاهش فقر یاری رساند که اهداف اساس توسعه را در همه نقاط تشکیل می‌دهند (کولایی، ۱۳۸۵: ۱۵۷). بدین ترتیب از طریق ایجاد تشکل‌های محلی زنان روستایی و سازمان‌های منطقه‌ای جهت حل و فصل مشکلات زنان، می‌توان به تقویت مشارکت زنان روستایی در توسعه کمک نمود. علاوه بر آن عضویت زنان در تعاونی‌ها نیز به آنها در دریافت تسهیلات، جهت تامین نهاده‌های کشاورزی موردنیاز، فروش محصولات و فرآوری برخی تولیدات بمنظور افزایش بهره‌وری کمک می‌کند.

۸ - نتیجه گیری:

از آنجا که به طور قطع زنان روستایی ذخیره‌های انسانی مهم و ارزشمندی برای سازندگی، اعتلای معنوی و مادی کشور محسوب می‌شوند، می‌توان با توجه به تحقیقات صورت گرفته و بررسی کتابها و مقالات موجود چنین نتیجه گرفت که، شرکت ایشان در فعالیت‌های اجتماعی و در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و خصوصاً اقتصادی از لوازم اساسی رشد کشور و از آرمانهای انقلاب اسلامی تلقی شده و شاید تنها مانع اصلی، مانع عرفی و سنتی باشد. علاوه بر آن مشارکت زنان روستایی همراه با مردان سبب می‌شود تا روحیه خودباوری، اعتماد به نفس و مسئولیت پذیری در آنان تقویت شده و هنگام رویارویی با مشکلات، گامی در جهت رفع این معضلات برداشته و همواره متکی به خود باشند. البته جهت این امر باید به اموری همانند، عرضه خدمات آموزشی به زنان روستایی متناسب با فعالیت‌های تولیدی و اجتماعی، خانوادگی همچنین ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای مشارکت زنان روستایی در کلیه سطوح مدیریتی، خصوصاً در فعالیت‌های روستایی پرداخت.

۹- پیشنهادها:

- ۱- فراهم نمودن امکانات آموزشی لازم در ابعاد گوناگون برای زنان روستایی
- ۲- آموزش در جهت تأکید بر اصل عدالت جنسیتی در فرآیند توسعه
- ۳- مشارکت در بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات موجود جهت حل مشکلات زنان روستایی.
- ۴- تأمین مالی زنان روستایی در راستای توسعه پایدار روستایی.
- ۵- گسترش دامنه مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های عمرانی روستا.

منابع

قرآن کریم

- ۱- آپلتن، هایل (۱۹۹۵ م). زنان و توسعه‌ی اقتصادی. چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- ۲- الحاق حسینی، احمد (۱۳۷۵ ش). "معاونت ترویج و مشارکت مردمی" نشریه جهاد، صاحب امتیاز وزارت جهاد سازندگی، شماره ۹۱-۹۰.
- ۳- اماری یس توریس، روزاریودل روزاریو (۱۳۷۵ ش). جنسیت و توسعه. مترجم: جواد یوسفیان، چاپ اول، تهران، انتشارات بانو.
- ۴- اوکلی، پ، مارسدن، د (۱۳۷۰ ش). رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی. ترجمه‌ی: منصور محمودنژاد، انتشارت جهاد سازندگی، سلسله انتشارات روستا و توسعه.
- ۵- بالان، احمد (۱۳۸۲ ش). "توانمندی‌های زنان صندوق مکتب ملل متحد". ماهنامه علمی اجتماعی اقتصادی جهاد سال بیست و سوم، شماره ۲۶۱.
- ۶- تیلا، عباس (۱۳۷۱ ش). زن در آیینی تاریخ. چاپ اول، تهران.
- ۷- جزئی، نسرین (۱۳۸۳ ش). زن توسعه. تهران: شهید بهشتی.
- ۸- جعفری بوکانی، پروین (۱۳۸۹ ش). نقش زن در جامعه. قم، گنج معرفتی.
- ۹- حرعاملی، محمد بن حسینی بن علی (۱۴۰۱ق). وسایل الشیعه. بیروت، المکتبه الاسلامیه، ج ۱۲.
- ۱۰- رسولزاده، م. (۱۳۸۷). "ارائه الگوی مفهومی از شاخصهای پایداری در توسعه روستایی". مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت و توسعه کشاورزی پایدار در ایران، ص ۳۲.
- ۱۱- سام آرا، ع. (۱۳۷۸). "ارتباطات و توسعه روستایی". فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۴، ص ۲۶.
- ۱۲- صابری فر، ر. (۱۳۸۵). "توسعه پایدار و مقوله پایداری در توسعه روستایی". ماهنامه جهاد، شماره ۱۲۱.
- ۱۳- صفری، فاطمه (۱۳۷۴ ش). الگوی اجتماعی پایگاه و نقش زن مسلمان در جامعه اسلامی بر اساس دیدگاه حضرت امام خمینی (رض). چاپ پنجم، تهران سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۴- عزیزی، مجتبی. (۱۳۷۸ ش). زن و توسعه‌ی پایدار. چاپ اول، تهران، محیط زیست.
- ۱۵- علاسوند، فریبا (۱۳۸۲ ش). زنان و حقوق برابر. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- ۱۶- علامه مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۵ق). بحارالانوار. بیروت، المکتبه الاسلامیه.

- ۱۷- علی بیگی، الف، بنی‌عامریان، ل. (۱۳۸۷). "راهبردی در توسعه پایدار روستایی". مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت و توسعه کشاورزی پایدار در ایران، اهواز، ص ۱۸.
- ۱۸- عمادی، م. (۱۳۷۱). "تسریع روند توسعه روستایی از طریق اولویت بخشی به زنان و تحول در پژوهش". فصلنامه روستا و توسعه، سال ۲، شماره ۴.
- ۱۹- قمی، شعبانعلی، علی‌بیگی ح.، شریف‌زاده، الف. (۱۳۸۳). رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، تهران: انتشارات مؤسسه توسعه‌ی روستایی ایران.
- ۲۰- قندهاری، پردیس (۱۳۸۲ ش). زن و قدرت. تهران: میراث فرهنگی کشور.
- ۲۱- کدیور، جمیله (۱۳۷۵ ش). زن. تهران: اطلاعات.
- ۲۲- کولایی، الهه (۱۳۸۵ ش). نقش زنان در توسعه‌ی کشورهای اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۳- گلدین، وال آلن (۱۳۷۹ ش). اقتصاد توسعه پایدار. مترجم: آزاد ارمکی، غلامرضا، چاپ اول: تهران، چاپ بازرگانی.
- ۲۴- مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری درباره یزن (۱۳۸۱ ش). "زن ریحانه آفرینش". چاپ اول، تهران، نشر دارالهدی، ص ۸.
- ۲۵- محمدی اصل، عباس. (۱۳۸۱ ش). جنسیت و مشارکت. تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- ۲۶- محمدی، زهرا (۱۳۸۸ ش). زنان سرپرست خانوار. تهران: شورای فرهنگی زنان.
- ۲۷- معتزلی، ابن ابی‌الحدید (۱۳۷۸ ق). شرح نهج البلاغه. خطبه‌ی ۱۸۴، چاپ اول، قم، دارالکتاب الاسلامیه.
- ۲۸- موحد، ح، لشگرآرا، ف، کرکه آبادی، ن. (۱۳۸۵). "تحلیل جنسیتی و زنان روستایی". ماهنامه جهاد، شماره ۲۶.
- ۲۹- افتخار، رفیع. خانواده و زنان. ۱۳۷۷، ص ۱۶
- www.hawzah.net/fa/magazine/magart/3992/4594/33523
- ۳۰- سویکی روستا، نقش زنان در فرآیند توسعه‌ی روستایی، ۴۶، ص ۸.
- <http://wikiroosta.ir>
- 31- 29-Barrena, A. (2002). Proposal and Application A Sustainable Development Index. Ecological.